

نقش ساحات احساسی و ارادی ایمان در پیوند

دو سویه آن با فعل اخلاقی از دیدگاه ملاصدرا

مهدی زمانی^(۱)

چکیده

و اراده، میان معرفت و فعل اخلاقی رابطه‌ی دو سویه برقرار می‌شود؛ از سویی ایمان انجام فعل اخلاقی را تضمین میکند و از سوی دیگر، انجام فعل اخلاقی باعث تقویت ایمان می‌شود.

ایمان حقیقتی است که افزون بر شناخت، احساس و اراده انسان را نیز دربرمیگیرد و بهمین دلیل اندیشمندان با تأکید بر یکی از این ساحتها، دیدگاههای متفاوت شناخت‌گروانه، احساس‌گروانه و اراده‌گروانه ارائه نموده‌اند. نحوه پیوند ایمان با عمل نیز از مسائل کهن در باب ایمان است که معرکه‌ی آراء گوناگون را در پی داشته است. در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، برداشت ملاصدرا در این موضوع تبیین و تحلیل میگردد. غالباً دیدگاه ملاصدرا در باب ماهیت ایمان را یگانه‌انگاری ایمان و شناخت معرفی میکنند اما از دیدگاه وی ایمان معرفتی قلبی است که افزون بر شناخت، احساس و اراده آدمی را نیز دربرمیگیرد. تأکید ملاصدرا بر نقش عشق مؤمنانه در ساحت احساس و نیز اخلاص ایمانی در ساحت اراده، موجب گردیده تا بتوان تبیین قابل قبولی از نحوه پیوند ایمان و عمل در چارچوب اندیشه وی، ارائه نمود. بدینسان، ایمان از طریق گستره خود در ساحت احساس و اراده (عشق و اخلاص)، به عمل اخلاقی منجر میشود و متقابلاً از همین دریچه‌ها، از آن تأثیر میپذیرد. بنابراین با وساطت ساحت احساس

کلیدواژگان: ماهیت ایمان، فعل اخلاقی، ساحت احساسی، ساحت ارادی، ملاصدرا.

۱. مقدمه

نحوه ارتباط شناخت با عمل، مسئله‌ی است که از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. در اندیشه افلاطونی، میان شناخت و فعل اخلاقی رابطه‌ی وثیق وجود دارد، بگونه‌ی که معرفت اخلاقی، فعل اخلاقی را بدنبال دارد و اگر فاعلی از انجام فعل خوب سرباز میزند، دلیل آن فقدان شناخت است. در مقابل، ارسطو چنین پیوندی را میان شناخت و فعل نمیپذیرد. از نظر وی عواملی غیر از شناخت (احساس و اراده) در انجام فعل مؤثرند و بنابراین اینگونه نیست که فاعل صرفاً با داشتن معرفت اخلاقی ضرورتاً به انجام فعل اخلاقی دست یازد.

* تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۹/۵/۱ نوع مقاله: پژوهشی

(۱). دانشیار دانشگاه پیام نور اصفهان؛ zamani108@gmail.com

بدین سان اظهار نظر شده است که بر خلاف افلاطون، برای شاگرد او یعنی ارسطو، مسئله «ضعف اخلاقی» مطرح بوده است (ادواردز، ۱۳۷۸: ۸۲).

مسئله ضعف اخلاقی نمونه‌یی از ضعف اراده است و باید آن را غیر از مقوله ریا و دورویی دانست. ممکن است کسی بگوید به امری باور دارم اما در واقع به آن باور نداشته باشد و طبعاً کردارهای متناسب با آن باور را انجام ندهد. ما این پدیده را ریا، دورویی یا نفاق مینامیم. از منافق یا ریاکار انتظار نداریم که کردارهایی متناسب با باور ادعایی انجام دهد زیرا او واقعاً به محتوای آنها اعتقاد ندارد. در مقابل، ضعف اخلاقی حالتی است که انسان در آن حالت، از یکسو به امری باور دارد از سوی دیگر از انجام کردارهای متناسب با آن ناتوان است (مک ناوتن، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

۲. بیان مسئله

پرسش از نحوه پیوند میان شناخت و فعل اخلاقی در فرهنگ دینی، بشکل رابطه ایمان و عمل صالح مطرح میشود زیرا غالباً ایمان امری نظری و نوعی شناخت بشمار می‌آید و از نحوه پیوندش با عمل متناسب با آن پرسش میشود. بدین سان مسئله اینست که اگر ایمان با فعل اخلاقی تقارن و تلازم دارد، چرا در بسیاری از اوقات شاهدیم که افراد مؤمن به کردارهای ناشایست و نامتناسب با محتوای اعتقادشان مبادرت می‌ورزند؟ در چه صورت ایمان میتواند تضمینی برای انجام اعمال نیک باشد؟ در این نوشتار به دیدگاه ملاصدرا بعنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان مسلمان در باب نحوه پیوند ایمان با فعل اخلاقی یا عمل صالح می‌پردازیم و تلاش میکنیم با تبیین و تحلیل دیدگاه او در باب ماهیت ایمان، به پرسش از نحوه تأثیر ایمان در عمل صالح و متقابلاً تأثیر عمل در تقویت ایمان پاسخ گوئیم.

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه ماهیت ایمان از دیدگاه ملاصدرا پژوهشهای ارزنده‌یی به انجام رسیده است که از جمله آنها میتوان به این موارد اشاره نمود: «چیستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا» (خادمی، ۱۳۹۳)؛ «تحلیل معرفت‌محورانه مراتب ایمان از دیدگاه ملاصدرا» (علوی، ۱۳۹۳)؛ «وحدت یا دوگانگی علم و ایمان در حکمت متعالیه» (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۹۴)؛ «نقد انتساب نظریه این‌همانی ایمان و تصدیق منطقی به ملاصدرا» (محمدی، ۱۳۹۶)؛ «استنباط مدلهای گوناگون یقین با نظر به امکانات درونی حکمت متعالیه» (صلواتی، ۱۳۹۸). محور این مقالات عمدتاً بحث درباره اینست که آیا از دیدگاه ملاصدرا ایمان صرفاً امری شناختی است یا چنین نیست.

در مورد رابطه میان ایمان و عمل نیز مقالاتی مانند: «نقش علم و عمل در تکامل آدمی از نظر ملاصدرا» (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ «نسبت میان نظر و عمل از دیدگاه ملاصدرا» (اکبریان، ۱۳۸۹)؛ «مقایسه نگاه ملاصدرا و هایدگر در باب نسبت نظر و عمل» (اسدی، ۱۳۸۷) وجود دارد که عمدتاً بر اساس یگانه‌انگاری ایمان و معرفت از دیدگاه ملاصدرا، به نسبت میان علم و معرفت با عمل از منظر وی اختصاص یافته‌اند. بنابراین بحث از رابطه ایمان و عمل بویژه با تأکید بر اینکه ایمان از دیدگاه ملاصدرا علاوه بر شناخت، ساحت‌های احساسی و ارادی انسان را نیز دربرمیگیرد، پژوهشی تازه خواهد بود؛ بویژه آنکه از طریق توجه به حضور ایمان در این ساحتها، این رابطه بسیار وثیقت‌ر و بصورت دوسویه قابل تبیین خواهد بود.

۴. پیوند ایمان و فعل اخلاقی

در متون دینی شرط صلاح و رستگاری، ایمان و فعل

نیکو یا عمل صالح معرفی شده است؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر / ۲ و ۳)، اما تقارن ایمان و عمل صالح امری اتفاقی نیست بلکه از تلازم این دو مقوله حکایت دارد. میتوان ایمان را روح یا باطن کردار نیکو و کردار نیکو را کالبد یا تجسم ظاهری ایمان دانست. چنانکه روح بدون تجسم، ظهور و جلوه‌ی ندارد، جسم نیز بدون روح کالبدی فسرده و مرده است. کردارهای نیکو هنگامی از شادابی و طراوت حیات لبریز می‌گردد که روح ایمان همچون دمی زندگی بخش در تمامی اجزاء آن دمیده شده باشد و در همه‌ی اندامهای آن جریان یابد. روح ایمان نیز بدنبال کالبدی است که در آن ساری شود و خود را آشکار و هویدا سازد. بنابراین کردار نیک در پی ایمان تحقق می‌یابد و متقابلاً ایمان نیز با کردار نیک تقویت می‌گردد. برای تبیین این پیوند باید به تحلیل ماهیت ایمان پرداخت.

۵. ماهیت ایمان

در تحلیل ایمان و ماهیت آن نظریات گوناگونی وجود دارد که باید آنها را دسته‌بندی نمود. در یک طبقه‌بندی، این دیدگاهها را برحسب متعلق ایمان به دو دسته تقسیم کرده‌اند. برخی متعلق ایمان را گزاره میدانند و برخی دیگر آن را امری غیر گزاره‌ی تلقی میکنند. دسته نخست ایمان را نوعی شناخت و معرفت دانسته‌اند و در مقابل، طرفداران ایمان غیرگزاره‌ی، آن را نوعی التزام، تعهد و سرسپردگی معرفی میکنند (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۱). اما میتوان این دیدگاهها را بر اساس ساحت‌های درونی انسان به سه دسته تقسیم نمود: برخی ایمان را حالتی از شناخت و معرفت دانسته‌اند، عده‌ی آن را از سنخ احساس و

عاطفه معرفی کرده‌اند و گروهی آن را امری مربوط به اراده و خواست بشمار آورده‌اند. از اینرو شاید بتوان در اینباب به سه دیدگاه: شناخت‌گرا، احساس‌گرا و اراده‌گرا دست یافت (ذاکری و طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). ملاک این دسته‌بندی تقسیم ساحت‌های وجودی انسان به ساحت‌های درونی (۱- شناختها، ۲- احساسها و ۳- خواستها) و ساحت‌های بیرونی (۴- کردار و ۵- گفتار) است (تسلر و کولخ، ۱۳۹۰: ۴). کردار و گفتار آدمی عرصه ظهور عقاید، احساسها و خواسته‌های درونی اوست و بنابراین ساحت بیرونی و ظاهری وجود او را تشکیل میدهند.

از منظر بیشتر فیلسوفان مغرب‌زمین مانند جان لاک، ایمان امری شناختی است که با عقل فهمیده و اثبات میشود (Locke, 1999: p.686). جمهور فیلسوفان برجسته مسلمان نیز از آن جهت که ایمان را از سنخ معرفت به حقایق مابعد الطبیعی میدانند، در زمره شناخت‌گرایان قرار گرفته‌اند (مجتهد شبستری، ۱۳۷۶: ۱۸). در مقابل، عده‌یی مانند پاسکال، کرکگور (میثمی، ۱۳۸۱: ۲۳۵) و بولتمان (مک‌کواری، ۱۳۸۲: ۲۶۱)، عمدتاً ایمان را نوعی گزینش، تعهد، التزام و متعلق به اراده و خواست دانسته‌اند. برخی نیز مانند شلایرماخر ایمان را امری عاطفی و نوعی احساس وابستگی به خداوند معرفی کرده‌اند (Schleiermacher, 1983: p. 6).

هر یک از نظریه‌های مذکور برگستره ایمان در یکی از ساحت‌های درونی انسان (ساحت شناختی/ عقیدتی، ساحت احساسی/ عاطفی و ساحت ارادی) تمرکز کرده‌اند. درباره اینک کدام دیدگاه در باب ایمان به حقیقت نزدیکتر است، نقضها و ابراهای بسیار شده است، اما میتوان گفت ایمان حالتی درونی یا کیفیتی نفسانی است که هر سه ساحت درونی، یعنی

شناخت، احساس و اراده را دربرمیگیرد. بر همین اساس، ایمان افزون بر تصدیق حقایق ماورایی، احساس دلبستگی و تعهد یا التزام به آنها نیز هست.

۶. ماهیت ایمان از دیدگاه ملاصدرا

ادعای اصلی ما در این مقاله آنست که بر خلاف برخی تبیینها از دیدگاه ملاصدرا (علوی، ۱۳۹۳؛ خادمی، ۱۳۹۳)، ایمان از منظر او منحصر به معرفت و شناخت نیست بلکه او گستره ایمان را شامل هر سه ساحت درونی آدمی (شناخت و معرفت؛ عاطفه و احساس؛ خواست و اراده) میداند (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۳؛ ابراهیمزاده آملی، ۱۳۹۴: ۲۹). واژه کلیدی و مهم در اشاره به این گستره فراگیر، «قلب» است. ایمان، امری «قلبی» است و قلب از سویی عامل معرفت و بصیرت است و از سوی دیگر کانون عواطف و احساسات، و افزون بر این، محوری برای خواست و اراده. از دیدگاه ملاصدرا هنگامی که به امری ایمان داریم، نسبت به آن درک و بصیرت یافته‌ایم اما این درک و بصیرت از طرفی با دل‌سپردگی و شوق (ملاصدرا، ۱۳۸۱ الف: ۱۰۸) و از سوی دیگر با عزم و آهنگ همراه است (همو، ۱۳۸۹ ب: ۲۱۴/۵).

اگر گستره ایمان در ساحت‌های درونی مورد التفات قرار گیرد، پیوند آن با ساحت‌های بیرونی بهتر تبیین میشود. ارتباط انسان با خداوند که در ایمان تجلی می‌یابد، از طریق احساس و اراده در کردار و گفتار وی نمود می‌یابد و متقابلاً کردار و گفتار او در تحکیم و تقویت بنمایه‌های احساسی، ارادی و شناختی ایمان مؤثر خواهند بود.

۶-۱. ساحت شناختی ایمان

ملاصدرا با پیشینه این اختلاف در آراء متکلمان

مواجه بود که آیا عمل در تعریف ایمان دخیل است یا اینگونه نیست. خوارج عمل را از مؤلفه‌های اصلی ایمان میدانستند (بغدادی، ۱۴۰۸: ۵۴)، معتزله نیز با اعتقاد به نظریه «منزلة بین المنزلتین» برغم مخالفت با خوارج (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۴۷۱)، عمل را مؤلفه‌ی اساسی در ایمان قلمداد میکردند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۰: ۱۹/۵۱). در مقابل، مرجئه و اشاعره ایمان از سنخ تصدیق میدانستند که امری درونی و حالتی نفسانی است و عمل در آن جایی ندارد (فخرالدین رازی، ۱۴۱۱: ۵۶۸). بنا بر مشهور، جمهور متکلمان شیعی نیز ایمان را با معرفت و علم یکی دانسته‌اند (علم‌الهدی، ۱۴۱۷: ۵۳۸؛ طوسی، بی‌تا: ۶۴۸). البته برخی مانند خواجه نصیرالدین طوسی با فاصله گرفتن از جمهور متکلمان امامیه، علم و معرفت را در ایمان کافی نمیداند (حلی، بی‌تا: ۴۲۶). خواجه با استناد به آیه «و جحدوا بها و استیقننها أنفسهم» (نمل / ۱۴) استدلال میکند که کفار درحالیکه علم داشتند، رسالت پیامبر را انکار نموده و کافر شدند و این نشان میدهد که شناخت با ایمان یکی نیست.

ملاصدرا در معرکه این آراء بعنوان اندیشمندی شیعی مذهب، ایمان را از سنخ معرفت و تصدیق بشمار می‌آورد: «الایمان مجرد العلم و التصدیق» (ملاصدرا، ۱۳۸۹ ب: ۸۷/۲). او اصل ایمان را علم به امور الهی معرفی میکند؛ دیگر سخن، معارف و علوم الهی را عین ایمان به خداوند و صفات او میداند: «فالعلم بالالهیات هی الاصل فی الایمان بالله» (همان: ۸۵). توجه به این عبارات نشان میدهد که آنچه در وهله نخست مورد توجه ملاصدرا قرار گرفته اینست که ایمان از مقوله علم و معرفت است، چنانکه در جایی حکمت را ایمان حقیقی میداند (همو،

۱۳۸۱ج: ۸/۶). او برخلاف خوارج و معتزله، عمل را در مفهوم ایمان دخالت نمیدهد: «المختار عندنا من أن الايمان هو عبارة عن نفس التصديق والعرفان وأن الاعمال خارجه عنه» (همو: ۱۳۸۹ب: ۹۵/۲). بدین سان او در یکی دانستن ایمان با تصدیق و معرفت، مخالفت خویش را با کسانى اظهار میکند که عمل را در مفهوم ایمان دخیل میدانستند. ملاصدرا بر همین اساس عمل را همچون ساختمانی میداند که بر پایه ایمان بنا شده است، اما خود آن پایه از سنخ تحقیق و تصدیق است: «فإن الايمان الذى هو عبارة عن التحقيق والتصديق اس، والعمل الصالح كالبناء عليه، و لا غنا بأس لا بناء عليه» (همان: ۵۸۰/۳) براساس این عبارت، ایمان دو ویژگی دارد: نخست آنکه امری تحقیقی است و بنابراین باورهای تقلیدی، ایمان واقعی نیست و دیگر آنکه امری تصدیقی و اختیاری است، از اینرو اجبار و اکراه در آن راه ندارد. اما پرسش مهم اینست که مراد از معرفتی که ملاصدرا ایمان را به آن تعریف میکند، چیست؟ در پاسخ باید گفت که این معرفت، شناخت معمولی نیست بلکه او آن را از سنخ اعتقادات خاص یقینی و علوم حقیقی برهانی یا کشفی میداند که در صورت تحقق آن برای آدمی، از نفس زائل نمیگردد؛ «إن الايمان التحقيق ليس مجرد القول بالشهادتين، بل عبارة عن اعتقادات مخصوصة يقينية و علوم حقة برهانية او كشفية» (همان: ۹۱۰). او گاهی از این معرفت یقینی و حقیقی به «معرفت بالجنان» تعبیر میکند؛ امری که بر نوعی شناخت قلبی دلالت دارد: «فقد علم إن الاصل فى الايمان هو المعرفة بالجنان» (همان: ۸۷/۲).

اما مراد از معرفت بالجنان چیست؟ روشن است که این نوع از معرفت، امری صرفاً ذهنی و از نوع

ادراکات معمولی و تصدیقات منطقی نیست. بدیگر سخن، علم و تصدیق ایمانی علم یقینی و تصدیق قلبی است: «الايمان هو العلم بالله واليوم الآخر علماً يقينياً و تصديقاً قلبياً» (همو، ۱۳۸۴ب: ۵۴۳/۱). او ذیل تفسیر آیه ۶۴ سوره بقره تأکید میورزد که ایمان تصدیق و اعتقاد قلبی است و عطف عمل صالح به آن نشان از مغایرت ایمان و عمل دارد.

۶-۲. ساحت عاطفی / احساسی ایمان

در معنای لغوی ایمان که از ریشه «أمن» اشتقاق یافته، حالت احساسی آرامش درونی وجود دارد و بنابراین از این لحاظ میتوان آن را تصدیق همراه با آرامش و امنیت درونی دانست. این آرامش معمولاً بر اثر دلباختگی و محبت نسبت به متعلق ایمان پدید می آید. در آثار ملاصدرا میتوان به عباراتی دست یافت که ایمان را حالتی در ساحت عاطفی و احساسی آدمی معرفی میکنند. او در کسر اصنام الجاهلیة میگوید: آنکه ایمان و معرفتش به خداوند شدیدتر و بیشتر باشد، عشق و حب کاملتر و افزونتری نسبت به خداوند خواهد داشت (همو، ۱۳۸۱الف: ۱۰۸). همچنین در کتاب تفسیر خود با اشاره به آیه «والذین آمنوا أشد حبا لله» (بقره/۱۶۵) خداوند را «حبيب اول» معرفی میکند زیرا مشاهده اوصاف جمال و جلال بیپایانش، شوق و ابتهاج همیشگی در پی دارد (همو، ۱۳۸۹ب: ۲۹۱/۵).

بر همین اساس رابطه اشتدادی میان ایمان به خدا و محبت نسبت به او نشان میدهد که یکی از ساحت‌های مهم ایمان، احساس عشق و دوستی با خداوند است. چون محبت عین معرفت یا دست‌کم مساوق با آن است، ایمان دو ساحت شناخت و احساس انسان را فرا میگیرد (همو، ۱۳۸۱الف: ۱۰۰).

بگفته ملاصدرا برخی از متکلمان مانند زمحشری سخن گفتن از محبت انسان به خداوند را نوعی بیان مجازی دانسته‌اند و ادعا نموده‌اند که مقصود از آن، امتثال اوامر و اجتناب از نواهی خداوند است. او ضمن رد این توجیهاات ادعا میکند که هنگامی که از محبت و عشق به خداوند سخن میرود، کلام ما حقیقت است و بهیچ وجه مجازی نیست زیرا مراد از محبت، ابتهاج است و ابتهاج میتواند حسی، ظنی یا عقلی باشد (همو، ۱۳۸۱: ۱/۲۴۷).

ملاصدرا محبت آدمی را به دو نوع تقسیم میکند: محبت نفسانی و محبت الهی. هر محبتی نوعی بندگی یا عبودیت است. محبت نفسانی به اموری مانند ثروت، فرزند، مقام و شهرت، شرک بشمار می‌آید، اما محبت الهی که باید آن را «محبت معرفت و حکمت» بدانیم، به خداوند تعلق می‌گیرد (همو، ۱۳۸۹: ۷/۵۲۷). بنابراین کسی که از ایمان حقیقی بهره‌مند باشد، بموازات معرفت و شناخت خداوند، محبت او را در دل می‌پرورد. شناخت خداوند، معرفت نسبت به کمال و زیبایی مطلق است و درک زیبایی سرچشمه عشق و محبت خواهد بود. ابتهاج درونی نسبت به زیبایی برای قلبی حاصل میشود که از زنگار پلیدی و ناپاکی پیراسته باشد (همان: ۱۹۱).

تقارن ایمان و محبت بگونه‌یی است که ملاصدرا در چندین بخش از تفسیر خویش از تعبیر «محبت ایمانی» استفاده کرده است. بانور محبت ایمانی است که تیرگی اشتغال به امور جزئی و اعراض از حق زدوده میشود (همان: ۱۱۹/۲؛ ۳۲۸/۸). گستره محبت الهی، عشق به آثار خداوند را نیز شامل میشود، زیرا عشق نسبت به علت، ناگزیر محبت نسبت به معلولهای آن را در پی دارد: «عشق العلة لاینفک عن عشق لوازمه و آثاره، بل محبة الآثار من حیث هی آثار

عین محبة المؤثر» (همو، ۱۳۸۱: الف: ۱۰۸). سعادت از آن کسی است که با معرفت بسوی خداوند گام بنهد و عشق او را در دل بپرورد: «و لا سعادة الا لمن قدم الی الله عارفاً به و بملکوته و آیات جلاله و عظمه و أحب الله بقلبه» (همو، ۱۳۸۹: الف: ۱۹۷). البته انسان مؤمن در آغاز جریان سلوک بسوی خداوند و تقرب به او، محبت اکتسابی دارد و در مراحل بالاتر محبت و عشقی موهبتی از جانب خداوند نصیب وی میگردد (همو، ۱۳۸۶: الف: ۲/۷۷۶).

نکته مهم دیگر آنکه در ساحت احساسی / عاطفی ایمان، محبت با خوف تضادی ندارد، زیرا محبت خداوند همراه با هیبت و تعظیم و احساس شکوه و برتری است. ملاصدرا با فرق نهادن میان خوف و سخط و عقاب تأکید میکند که خوف نتیجه شدت نور عظمت و جلال است که بر اثر آن دلها و دیده‌ها مدهوش میگردد. البته همانند محبت، خوف قلبی از خداوند نیز دارای مراتب است و خوف از دوری خداوند «شدیدترین ترسی است که دلهای اهل ایمان حقیقی را دربرمیگیرد» (همو، ۱۳۸۱: الف: ۱۱۲).

۳-۶. ساحت ارادی ایمان

با تأمل در تقابل ایمان و کفر، به حضور ساحت ارادی در ایمان پی خواهیم برد. اگرچه ملاصدرا مفهوم عمل را در حقیقت و ماهیت ایمان دخیل نمیداند، اما خواست و اراده امری درونی و نفسانی است و بهمین سبب در ایمان قلبی دخالت دارد. ملاصدرا ایمان را به علم و تصدیق و در مقابل، کفر را به جهل و تکذیب تعریف میکند (همو، ۱۳۸۹: اب: ۲/۷۷). چنانکه گذشت، در تعریف ایمان مراد از تصدیق، علم تصدیقی یا گزاره‌یی محض نیست بلکه تصدیق و معرفت قلبی است. بنابراین مراد از تکذیب، در

تعریف کفر نیز صرف نادرست دانستن و عدم مطابقت با واقع نیست. کفر و تکذیب عدم پذیرش قلبی نسبت به متعلقات ایمان است، همانگونه که ایمان و تصدیق پذیرش آنها میباشد.

اما پذیرفتن و نپذیرفتن به چه معناست؟ روشن است که پذیرفتن و نپذیرفتن از سنخ افعال نفسانی و متعلق به ساحت ارادی قلب است. پذیرفتن، بمعنای اعتراف نمودن یا تسلیم شدن است. کسی که حقیقتی را میپذیرد، آن را برمیگزیند و به آن اعتراف میکند و در مقابل، کافر از پذیرش و اعتراف قلبی سر باز میزند. به باور ملاصدرا آیه «لا إكراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» بر این نکته دلالت دارد که امور اعتقادی با اکراه و اجبار حاصل نمیشوند بلکه آنها اموری موهبتی هستند که با طیب خاطر مورد پذیرش و انتخاب قرار میگیرند (همان: ۸۸).

از دیدگاه ملاصدرا، دین در حقیقت تسلیم و رضایتی است که بر اثر عقاید علمی حاصل میگردد؛ «ان الدین فی الحقیقة هو التسلیم و الرضا الحاصلین سبب العقائد العلمیة التي وقعت بإفاضة الله علی القلب المطمئن بالایمان» (همان: ۲۱۴/۵). انسانی که از ایمان قلبی بهره‌مند است، از چنان اطمینان و یقینی برخوردار است که در برابر متعلق ایمان کاملاً تسلیم است و آن را میپذیرد. دین امری درونی است و هیچ کسی جز خداوند بر درون آدمی و قلب او تسلط ندارد. بنابراین اگر ملاصدرا ارادی بودن ایمان را انکار میکند مرادش آن نیست که ایمان امری جبری و بیرون از اراده آدمی است بلکه یا میخواهد دخالت عنصر رضایت و خشنودی در آن را بیان نماید و پذیرش قلبی را خواستی رضایت‌مندانه معرفی کند یا تأکید او بر اینست که ایمان به توفیق و موهبت الهی برای آدمی محقق میگردد نه بصرف تلاش و قصد

سالک. ملاصدرا با اشاره به حدیثی از پیامبر (ص) - «لیس الدین بالتمنی» - اختیاری بودن ایمان را نفی میکند، اما نفی اختیاری بودن ایمان، از دیدگاه او به یکی از دو وجهی که اشاره شد باز میگردد:

یعلم انه لیس امراً اختیارياً و لو كان من اعمال البدنیة كالصلوة و الصیام لأمكن تحصیله فی شخص آخر بالجبر و فی الشخص نفسه بالتمنی (همان: ۸۸/۲).

خلاصه آنکه، تمنا و خواست ایمان کافی نیست و این کوشش بدون جذبه و کشش از جانب خدا بجایی نمیرسد:

تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد اوج ایمان در ساحت اراده و خواست، اصلاح نیت و پیرایش انگیزه آدمی است. ایمان از آنجهت که با محبت همراه است و بلکه عین محبت یا حداقل مساوق با آن است (همو، ۱۳۸۱ الف: ۱۰۰) به خلوص می انجامد. عاشق خداوند بجز معشوق هدفی در سر ندارد و جز برای وصال و لقای او به کاری دست نمیزند و بدین سان اغراض نفسانی از دل او زدوده میشود: «من تمت محبته لله (تعالی) و خلص حبه لم یکن حرکاته و عباداته مشوبة بالغرض النفسانی» (همان: ۱۰۹). شدت محبت الهی بر قوت اخلاص می افزاید، بگونه‌یی که در مراتب برتر به فنای وجه وجود سالک در وجه وجود خداوند می انجامد و عبور از مقام ابرار به جایگاه مقربان را برای او ممکن میسازد (همان: ۱۱۱).

ملاصدرا در تبیینی دیگر، حاصل معرفت و محبت ایمانی را «زهد» میداند و زهد مربوط به ساحت نیت، اراده و خواست است. زاهد کسی است که تمنای لقای الهی بر او غلبه کرده و نسبت به دنیا حبی ندارد و مقاصد و آمال دنیوی از انگیزه عمل او زدوده شده است. او ضمن

استناد به این گفتار از امیرمؤمنان علی (ع) که «حبّ الدنیا رأس کل خطیئة»، محبت دنیا را نتیجه ضعف شناخت میدانند. نشانه معرفت و محبت خداوند پرهیز قلبی از دنیا و تمنیات دنیوی است و روشن است که «پرهیز» به ساحت درونی خواست و اراده مربوط میشود: «فعلامة حبّ الله و معرفته الاجتناب عن الدنیا و ما فیها بحسب القلب و الباطن» (همان: ۱۰۰).

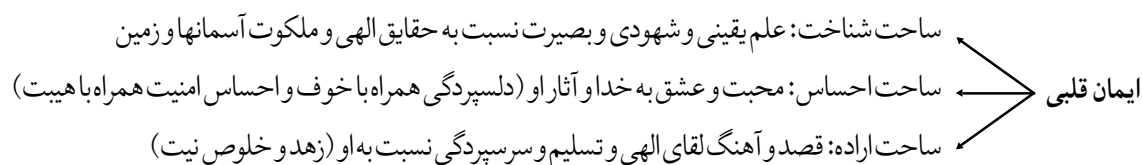
بنابراین میتوان نتیجه گرفت که عبارات گوناگون ملاصدرا در تعریف و توضیح ماهیت ایمان نشان میدهد که نظریه او یگانه‌انگاری ایمان و علم نیست (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۹۴: ۲۹)؛ اگر در بسیاری از عبارات، او ایمان را شناخت و تصدیق معرفی میکند، مرادش تصدیق منطقی نیست (محمدی، ۱۳۹۶: ۱۳۳). معرفت و شناخت ایمانی نیز از دیدگاه او امری ذهنی نیست بلکه معرفت یقینی قلبی است و شناخت در ساحت قلب با محبت و خواست تلازم دارد. اراده و محبت، همراه معرفت و وجود هستند و تلازم آنها در مراتب برتر به عینیت نزدیک میگردد و مثلاً در خداوند، معنای آنها نیز یکی میشود: «الارادة و المحبة معنی واحد کالعلم و هی فی الواجب تعالی عین ذاته و هی بعینها عین الداعی و فی غیره تکنون صفة زائدة علیه» (ملاصدرا، ۱۳۸۱ ج: ۳۳۹).

نتیجه آنکه، ایمان از نگاه ملاصدرا حقیقتی است که با رسوخ در قلب ساحت‌های سه‌گانه شناخت، احساس و خواست آدمی را دربرمیگیرد و گستره آن محدود به معرفت نیست. میتوان حضور ایمان در ساحت‌های درونی را بشکل زیر نشان داد:

اکنون که گستره ایمان در ساحت‌های شناخت، احساس و اراده در آثار ملاصدرا تبیین شد، نوبت آنست که به تحلیل نحوه ارتباط میان ایمان و فعل اخلاقی پرداخته شود. ارتباط میان ایمان و عمل صالح، رابطه‌ی دوسویه است و از تأثیرگذاری ایمان در عمل و متقابلاً اثرپذیری آن از عمل صالح حکایت دارد. از اینرو، در وهله نخست باید به تحلیل نحوه تأثیر ایمان در عمل اخلاقی پرداخته شود و بهترین راه ورود به این موضوع بررسی فرایند صدور فعل اختیاری است که در فلسفه با عنوان «مبادی فعل اختیاری» از آن یاد میشود. در واقع بحث مبادی فعل اختیاری، به تبیین عواملی میپردازد که به انجام عمل منجر میشوند و در این پژوهش، علل درونی انجام فعل اخلاقی را روشن مینماید.

۷. مبادی فعل ارادی

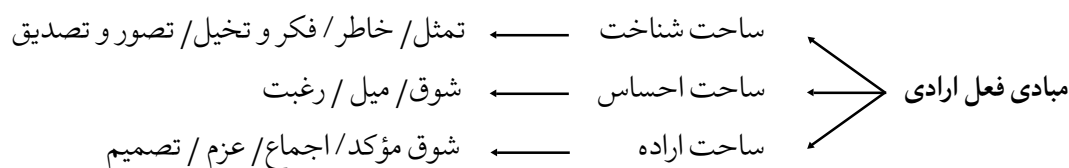
صدور فعل ارادی یا اختیاری از انسان، مبتنی بر علل و مقدماتی است که تبیین‌های گوناگون درباره آن وجود دارد. یکی از مسائل «فلسفه عمل» بررسی مقدمات و علل فعل ارادی آدمی است. اندیشمندان مسلمان معمولاً مقدمات فعل ارادی را در نسبتی رتبی و طولی قرار میدهند و میان آنها تقدم و تأخر در نظر میگیرند و از آنها به مبادی یا مراحل تحقق فعل ارادی تعبیر میکنند. ملاصدرا در آثار خود بارها به این موضوع پرداخته و در مناسبتهای گوناگون به طرح دیدگاه‌های خود در این زمینه اقدام نموده است. بررسی دیدگاه او در این مسئله نشان میدهد که تبیین وی درباره مراحل صدور فعل ارادی در همه جا یکسان نیست. او گاه این مراحل را به



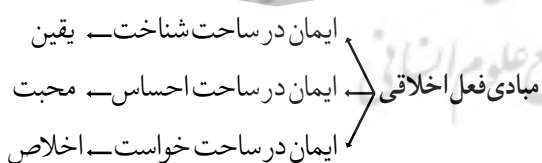
اجمال و محدود به دو مرحله نموده و گاه با تفصیل بیشتر، سه، چهار یا پنج مرحله برای حرکت اعضا جهت انجام فعل برمی‌شمارد:

۱) پیش از تحریک اعضا و تحقق فعل ارادی، دو مقدمه لازم است: الف) داعی یا انگیزه که علم یا همان تصور ظنی، خیالی و عقلی است، ب) شوق مؤکد برای انجام فعل که همان اراده است. پس از این دو مرحله اعضای

منظر ساحت‌های سه‌گانه درونی انسان در نظر بگیریم، میتوان گفت برای تحقق فعل در ساحت بیرونی، هر سه ساحت درونی دخالت دارند. از اینرو برای آنکه فاعل به انجام اقدام نماید و اعضایش برای فعل جنبش پیدا کند، وجود سه عامل شناخت، احساس و اراده لازم است.



بنابراین ملاصدرا - بجز در تحلیل اجمالی نخست - در تبیین‌های دیگر، خود از مؤلفه‌های لازم در تحقق فعل اختیاری میان شوق یا میل و اراده یا اجماع فرق مینهد و در نهایت حضور سه عامل شناخت، احساس و خواست را برای تحریک فاعل لازم می‌بیند (رضائی و هوشنگی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). حال اگر این مبادی را در مورد فعل متناسب با ایمان یعنی «فعل اخلاقی» در نظر بگیریم، میتوان مبادی آن را با توجه به گستره ایمان در ساحت‌های سه‌گانه درونی چنین ترسیم نمود:



به بیان دیگر، فعل اخلاقی یا کردار نیکو از ایمان سرچشمه می‌گیرد. اما ایمان امری صرفاً شناختی نیست تا در نحوه تأثیر آن در عمل دچار اشکال شویم، بلکه ایمان حقیقتی است که با رسوخ در باطن و درون (قلب) آدمی همه ارکان شناختی، احساسی و ارادی او را به تسخیر خویش درمی‌آورد و از طریق همین ارکان به عمل منتهی می‌گردد. برای انجام فعل، سه عنصر آگاهی، گرایش

بدن برای انجام فعل حرکت میکند (همو، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۱۴). البته گاهی داعی یا انگیزه را «تمثل» مینامد: «اذا تمثلنا تبعه الشوق واذا اشتقنا يتبعه لتحصيل الشى حركة الاعضاء» (همو، ۱۳۸۱: ج ۳: ۳۶۵).

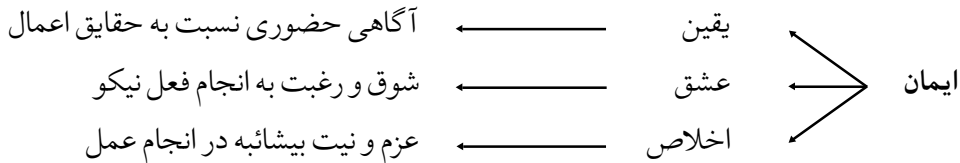
۲) برای انجام فعل ارادی سه مرحله لازم است: فکر و تخیل، شوق و اجماع (اراده). در این تحلیل ملاصدرا شوق و اراده را دو مرحله جدا در نظر گرفته است (همان: ۲۰۹/۲).

۳) پیش از حرکت اعضا برای انجام فعل چهار مرحله وجود دارد: تصور، تصدیق، شوق و عزم یا تصمیم (تنفیذ شوق). در این تحلیل، مرحله فکر و تخیل به دو قسمت تصور و تصدیق تقسیم شده است. بدین سان برای انجام فعل، نخست آن را تصور میکنیم و سپس خوب بودن انجام آن را تصدیق مینماییم (همو، ۱۳۸۹: ۳۵۲/۷).

۴) برای انجام فعل تحقق پنج مرحله لازم است: تصور، تصدیق، شوق، شوق مؤکد، اراده (اجماع). در این تبیین میان شوق و شوق مؤکد تفکیک شده است (همو، ۱۳۸۱: ج ۳: ۳۵۵). اگر تبیین‌های تفصیلتیتر از مراحل صدور فعل ارادی (تبیین دوم تا چهارم) را از

و عزم لازم است و ایمان هر سه عنصر را در بر دارد:

بر همین اساس از دیدگاه ملاصدرا مسائل ایمانی همانند خداوند و صفات او و نیز سعادت اخروی و رهایی



از عذاب، متعلق یقین، یعنی برهان ضروری و دائمی قرار میگیرند. این برهان ضروری و یقین دائمی همانند بذری برای مرتبه‌یی بالاتر (یعنی مشاهده باطنی و کشف دائمی) است (همان: ۴/۱۱۱۷).

یقین نیز بنوبه خود مراتبی دارد که در یکی از مشهورترین صورت‌بندیها شامل: علم‌الیقین، عین‌الیقین و حق‌الیقین میشود. ملاصدرا علم‌الیقین را تصدیق به امور نظری و کلی میداند که در نتیجه برهان پدید می‌آیند. عین‌الیقین مشاهده امور نظری با بصیرت باطنی است، و حق‌الیقین متحد شدن نفس با حقیقت مفارق عقلی است که همه معقولات را در بر دارد. برای مثال، میتوان یقین به وجود خورشید برای نابینا را «علم‌الیقین» و دیدن چشمه خورشید برای فردی که بینایی او سالم است را «عین‌الیقین» دانست، اما حق‌الیقین مثالی در عالم جسمانیات ندارد زیرا در امور جسمانی اتحاد ممکن نیست (همو، ۱۳۸۶ الف: ۱/۲۳۱). بنابراین به باور ملاصدرا معرفت به امور همانند حقیقت صراط و آموزه‌های مرتبط با آن، به اهل کشف و شهود اختصاص دارد و عموم مردم که از نور یقین برخوردار نیستند، در این امور صرفاً در حد تصدیق، تسلیم و ایمان سطحی قرار دارند (همو، ۱۳۸۹ ب: ۱/۱۲۶).

اما ایمان یقینی افزون بر نیروی کشف و درک حقایق، سرچشمه عمل و فعل نیکو نیز هست (صلواتی، ۱۳۹۸: ۹). ملاصدرا سخنان متألهان را موجب ظهور جنبشی لطیف در جان انسانهای پاک میداند. اینگونه سخنان

۸. ارکان درونی فعل اخلاقی

با تبیین حضور ایمان در ساحتهای سه‌گانه شناخت، احساس و اراده و انطباق آنها با مبادی سه‌گانه فعل ارادی، به اختصار بیان ملاصدرا درباره هر یک از این ارکان را توضیح میدهیم. همانگونه که اشاره شد، این ارکان بر اساس ساحتهای درونی و نیز مبادی فعل اختیاری بترتیب عبارتند از: یقین در عرصه شناخت، عشق در ساحت احساس و اخلاص در قلمرو اراده. بدین ترتیب هر یک از یقین، عشق و اخلاص عوامل و مؤلفه‌های اصلی انجام عمل نیکو و ترک کردار ناشایست را تشکیل میدهند.

۸-۱. یقین و ایمان

ملاصدرا در تعریف یقین میگوید: «الیقین هو العلم بالشیء بعد أن یكون صاحبه شاکاً فیہ»؛ یقین علم به اموری است که شخص پیش از آن نسبت به آنها تردید داشته است (ملاصدرا، ۱۳۸۹ ب: ۲/۱۵۳). بنابراین در مورد امور واضح و بدیهی که قابل تردید نیستند، یقین بکار نمیرود و یقین تنها در مورد علوم حادث و اکتسابی معنا دارد. یقین نسبت به خداوند و آخرت مصداق پیدا میکند زیرا تردید در آنها ممکن است. او ایمان حقیقی را اعتقاد یقینی میداند که از برهان نتیجه شده باشد. اعتقاد یقینی که حاصل برهان باشد، ثابت و زوال‌ناپذیر و نوری عقلانی است؛ فالایمان بالارکان نور عقلی یوجب أن تخرج به النفس الانسانية من الظلمات الی النور (همان: ۳/۵۸۳).

فردا مصلحت

بویژه اگر بالحن گوش نواز و زیبا همراه باشند، در ترغیب مخاطبان به انجام اعمال نیکو و تقرب به خداوند بسیار مؤثرند و بیش از براهین در جان آنها مینشینند (ملاصدرا، ۱۳۸۶: ۸۹) و قلب آنان را برای دستیابی به یقین آماده میکنند (همو، ۱۳۸۱: ۵۰۱/۲). نتیجه اینکه، ایمان شناختی ذهنی نیست که از فعل اخلاقی فاصله داشته باشد بلکه شناختی یقینی است که با رسوخ در دل مؤمن، مقدمه عبودیت و فعل اخلاقی قرار میگیرد.

۸-۲. محبت و ایمان

گستره ایمان در ساحت عواطف و احساسات، در کانون محبت انسان نسبت به خداوند تمرکز می یابد. از دیدگاه ملاصدرا حب خداوند عامل انگیزشی بسیار نیرومندی است که در انجام اعمال صالح نقش بسیار مهمی ایفا میکند. حب خداوند کلید رستگاری و سعادت است. اگر - مطابق با کلام حضرت علی (ع) - حب دنیا سرچشمه همه کارهای ناپسند بشمار می آید: «حب الدنيا رأس كل خطيئة»، در مقابل، سرچشمه همه اعمال نیکو «حب خداوند» خواهد بود. نشانه حب خداوند اجتناب از دنیا و دل بستگیهای آن است (همو، ۱۳۸۱: الف: ۱۰۱). شگفت است که کسی داعیه محبت به خدا و عشق الهی داشته باشد اما خود را در شهوات و لذتهای دنیوی غوطه ور سازد. دنیاگرایی با حب خداوند سازگار نیست. عاشق خداوند، شیفته لقای اوست و در دنیا و فریبندگیهای آن دل نمیندود و آن را نوعی انصراف از خداوند و جدایی از او مبیند. کسی که محبت خداوند را در دل خویش میپرورد، عاشق خلوت گزینی، تهجد و مناجات با خداوند است. ملاصدرا کمترین مرتبه محبت را لذت بردن از خلوت با محبوب میداند. چگونه میتوان باور نمود کسی که گفتگو با اغیار را از نجوای با حبیب خوشتر میدارد، در ادعای محبت خداوند صادق باشد. عبادات و اعمال نیکو میوه

و ثمره محبت خداوند است زیرا عاشقان خداوند انجام آنها را ابزار و نردبان قرب الهی و لقای او میدانند. از اینرو ایمان قلبی بسبب شمول بر ساحت احساسات و تصرف در باطن، قلب مؤمن را شیفته و شیدا و دل سپرده زیبایی خداوند میسازد و این شیفتگی خود را در انجام اعمال نیکو و پرهیز از کردارهای ناروا نشان میدهد (همان: ۱۰۷).

۸-۳. اخلاص و ایمان

ملاصدرا معیار درستی عمل آدمی را نیت خالص و التفات کامل به معبود میدانند. از دیدگاه او، عمل بدون نیت خالص همانند پیکری بیجان و بذری بدون ثمر است (همو، ۱۳۸۲: ۳۲۰/۹). منظور از نیت، در نظر گرفتن هدف و غایت فعل توسط فاعل است. ملاصدرا از نیت، به فعل قلب و امری غیر محسوس تعبیر میکند (همو، ۱۳۸۶: الف: ۳۵۶/۱) و این اشاره به بعد ارادی قلب است که پیش از این مورد بحث قرار گرفت. بنابراین قلب علاوه بر نقش شناختی و عاطفی، مشتمل بر حالت فعالیت از نفس نیز هست که در ساختار مبادی فعل اختیاری همت و تصمیم نامیده میشود و انگیزه قاطعی برای اراده و در پی آن جنبش اعضا و انجام عمل است. سیطره ایمان بر ساحت خواستها و نیات انسان مؤمن، در مؤلفه اخلاص نمایان میگردد. چنانکه گفتیم، خواست، عزم، اجماع و شوق مؤکد تعبیرهایی هستند که (برغم تفاوتی که با یکدیگر دارند) برای مرحله اراده در مبادی فعل اختیاری بکار میروند. ایمان افزون بر مؤلفه شناختی (یقین) و احساسی (محبت)، مؤلفه ارادی عمل را نیز تأمین میکند. کسی که نسبت به خداوند معرفت یقینی پیدا میکند و دل به او سپرده، شیفته و شیدای او میگردد، نیت و عزم خویش را از غیر او پاک میسازد. خداوند غیور است و برای دوستدار خویش محبوبی جز خود روا نمیدارد. مؤمن همه داشتههای

خود را تقدیم خداوند میکنند و داشته‌های او اعمالی است که انجام می‌دهد. اگر نیت و قصدی غیر از خداوند در سر داشته باشد، برای او شریک قرار خواهد داد و این نشانه آنست که از معرفت و محبت واقعی برخوردار نیست. بنابراین هر چه معرفت و محبت نسبت به مبدأ فیاض بیشتر باشد، خلوص نیت بیشتر و درجه قرب بالاتر خواهد بود (همو، ۱۳۸۱: ۲/۴۹۱).

۹. تأثیر فعل اخلاقی بر ایمان

همانگونه که نیت و اعتقاد بذر اعمال آدمی است و در صدور آنها نقش اول را دارد، از سوی دیگر، خداوند قلب را آدمی را بصورتی آفریده است که بطور پیوسته از افعال اثر می‌پذیرد. بدیگر سخن، افعال ظاهری (جوارحی) بمتابزه کاشتن بذرهایی در زمین قلب است (همو، ۱۳۸۴/۱: ۳۹۸). بنابراین ملاصدرا نسبتی دو سویه میان ساحت‌های درونی ایمان (معرفت، محبت و اخلاص) با ساحت بیرونی آن (اعمال نیکو) برقرار می‌کند. او ایمان و سایر مقولات دینی را در سه دسته قرار می‌دهد: معارف، احوال و اعمال. معارف شامل شناخت خداوند و پیامبران و معاد میشود، احوال به صفات و ملکات نفسانی و باطنی اطلاق می‌گردد و اعمال مربوط به افعال جوارحی است که در احکام فقهی و رفتارهای اخلاقی ظاهر میشوند (همو، ۱۳۸۹: ۲/۸۳). درست است که معارف در احوال نفسانی و احوال نفسانی در اعمال تأثیر مینهند، اما متقابلاً هر عملی به ایجاد یا تقویت حالی در نفس منجر میشود و هر حال نفسانی به معرفتی می‌انجامد (همان: ۷/۳۷۵).

همچنین میتوان نحوه تأثیر اعمال نیکو در ایمان را با توجه به نقش نیت تحلیل نمود. از دیدگاه ملاصدرا هنگامی که اعمال نیکو با نیت خالصانه تکرار میشوند، اثری در نفس ایجاد نموده، تبدیل به حال و سپس ملکه

میشوند (همان: ۶/۳۰۰). بنابراین اعمال نیکو از طریق نیت به درون آدمی راه می‌یابند و درون او را متحول میکنند، زیرا نیت از افعال جوانحی و درونی یا افعال قلب است (همان: ۱/۲۱۷). البته برای تحلیل دقیقتر نحوه تأثیر اعمال در حالات درونی توجه به مبانی ملاصدرا بویژه «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس» و «حرکت جوهری نفس» و نیز نحوه اتخاذ نفس با بدن ضروری است، اما این امر مجال دیگری می‌طلبد. در اینجا تنها به ذکر این نکته بسنده میشود که مبانی یادشده، فرایند اثرپذیری ساحت درونی یا قوای نفسانی از پدیده‌های بیرونی و بویژه اعمال را تبیین مینمایند و تکامل گوهری و تقویت معارف، عواطف و خواسته‌های آدمی از رهگذر اعمال را روشنتر می‌سازند. اعمال نیکو همانند عبادتها و ریاضتها و کردارهای زاهدانه نقشی عددی در تکمیل و تقویت ساحت‌های شناختی، احساسی و ارادی ایمان ایفا میکنند. ملاصدرا با تأکید بر این نکته، میگوید اعمال نیکو و عبادتها، مقدمه پیرایش درون و تصفیه باطن و زدودن زنگار دلبستگیها و شهوات از آئینه دل است که به تحصیل معرفت کمک میکند (همان: ۷/۱۸۱ و ۴۲۸). در مقابل، اگر انسان به شهوتها و لذتهای بدن توجه نشان دهد، نفس خود را در اسارت آنها قرار داده و بتدریج ملکه تسلیم در برابر وسوسه‌های بدن در او راسخ خواهد گشت؛ نتیجه این امر محروم گشتن از همنشینی با مقربان خداوند و نابینا شدن در برابر انوار قدسی خواهد بود. به باور ملاصدرا غرض اصلی از عبادات بدنی آزاد نمودن قلب از زنجیر شواعل و التفات کامل به مبدأ اصلی و شوق به رضوان خداوند است (همو، ۱۳۸۲: ۹/۳۲۰).

ممکن است ظاهر بینان با استناد به اینکه معارف و احوال نفسانی از مبادی و مقدمات عمل و تحقق فعل است، عمل را در جایگاهی برتر از آنها قرار دهند، اما

صاحبان بصیرت میدانند که اعمال برای تحقق احوال و احوال برای وصول به معارف قلبی ارزش پیدا میکنند. بدین سان هدف از اعمال، تصفیه قلب و رفع حجابها و زدودن زنگارها از چهره آن است. مقصود و غرض اصلی ایمان انکشاف وجه حق تعالی و شناخت شهودی خداوند است که گوهر ایمان بشمار می آید. در شریعت به هر فعلی که باعث طلب و شیفتگی نسبت به غیر خداوند میشود و با ایجاد کدورت در قلب از مکاشفه حقایق الهی مانع میشود، «معصیت» میگویند. در مقابل، افعال اخلاقی که نورانیت قلب را در پی دارد و آن را برای کشف حقیقت آماده میسازد، «طاعت» نام میگیرند. بدین سان اعمال نیکو از دو دریچه به معرفت و یقین قلبی می انجامند و شناخت ایمانی را تقویت میکنند؛ نیت خالص در ساحت ارادی و فعال قلب و حب الهی در ساحت احساسی و انفعالی آن.

۱۰. جمع بندی و نتیجه گیری

۱) هر چند در برخورد اولیه با تعاریف ملاصدرا از ایمان، ممکن است دیدگاه او در این باب نوعی شناخت گرایی قلمداد شود، اما با تعمق در لوازم دیدگاه او نتیجه میگیریم که او ایمان را حقیقتی قلبی میدانند که همه ساحتهای درونی آدمی را دربرمیگیرد و بدین سان شامل ساحت احساسی و ارادی نفس نیز میگردد. کاربرد واژه قلب در ساحتهای سه گانه این استنتاج را تأیید میکند.

۲) شاخصه های ایمان در ساحت های شناخت، احساس و اراده بترتیب عبارتند از: یقین، محبت و اخلاص. بنابراین بدون معرفت یقینی، محبت الهی و خلوص، ایمان حقیقی تحقق نمی یابد.

۳) مبادی عمل اختیاری را میتوان در سه مؤلفه شناختی (تصور و تصدیق)، احساسی (شوق) و ارادی (عزم و اجماع) خلاصه نمود. بر این اساس مبادی فعل

اخلاقی نیز بر اساس ساحت های سه گانه نفس آدمی در شناخت یقینی، محبت و شوق الهی و عزم خالصانه قابل تبیین است.

۴) رابطه وثیق میان ایمان و عمل نیکو از طریق تبیین گستره ایمان در ساحت احساسی و ارادی قابل بیان است. ایمان منحصر به شناخت نیست بلکه با رسوخ در قلب از طریق احساس و اراده در عمل نیکو ریزش میکند. بدین ترتیب محبت و اخلاص، دریچه های شناخت ایمانی به فعل اخلاقی هستند و از مبادی کردار نیکو بشمار می آیند.

۵) نسبت ایمان و فعل اخلاقی دوسویه است. یعنی همانگونه که ایمان از طریق یقین، محبت و اخلاص سرچشمه فعل اخلاقی است، عمل صالح نیز در مؤلفه های شناختی، احساسی و ارادی ایمان و تقویت و تضعیف آنها مؤثر است. برای تبیین این مطلب بویژه میتوان بر نقش ساحت های احساسی و ارادی ایمان تأکید نمود زیرا اعمال نیکو با تأثیر بر احساسات و خواستهای قلبی، باعث زلالی بصیرت ایمانی میشوند.

۶) در چارچوب تحلیلی که از گستره ایمان انجام شد، پاسخ شایسته ای به مسئله «ضعف اخلاقی» داده میشود. ضعف اخلاقی و فقدان پیوند مناسب میان شناخت و عمل، بدین سبب است که ممکن است ایمان در ساحت های احساسی و ارادی رسوخ نکرده باشد یا از قدرت کافی برخوردار نباشد. بنابراین ضعف محبت الهی و خلوص نیت است که موجب فقدان انگیزش برای انجام عمل نیکو میشود.

منابع

ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۹۴) «وحدت یا دوگانگی علم و ایمان در حکمت متعالیه»، آیین حکمت، سال هفتم، شماره مسلسل ۲۶، ص ۳۲-۷.
ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (۱۳۷۰) شرح نهج البلاغه،

- قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی. ادواردز، پل (۱۳۷۸) فلسفه اخلاق، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: تبیان.
- اسدی، محمدرضا (۱۳۸۷) «مقایسه نگاه ملاصدرا و هایدگر در باب نسبت نظر و عمل»، پژوهشهای فلسفی کلامی، سال ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۷، ص ۳۲-۲۱.
- اکبریان، رضا (۱۳۸۹) «نسبت میان نظر و عمل از دیدگاه ملاصدرا»، خردنامه صدرا، شماره ۶۲، ص ۳۷-۱۴.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۰۸ق) الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه منهم، بیروت: داراجیل - دارالافاق.
- تسلر، الیزابت؛ کولخ، بریگیت (۱۳۹۰) من و دنیای احساساتم، ترجمه ملیحه شکوهی، تهران: آسمان خیال.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خادمی، عین الله؛ ماجدی، قدسیه (۱۳۹۳) «چیستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا»، فلسفه دین، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۲۸۹-۳۲۴.
- ذاکری، مهدی؛ طباطبایی، سید مرتضی (۱۳۹۱) «رویکردی نوین در بررسی ماهیت ایمان با نگاه به ساحات درونی نفس»، انسان پژوهی دینی، شماره ۲۷، ص ۱۲۴-۱۰۵.
- ذبیحی، محمد و همکاران (۱۳۹۸) «نقش علم و عمل در تکامل آدمی از نظر ملاصدرا»، پژوهشهای فلسفی کلامی، شماره ۷۹، ص ۲۳-۵.
- رضائی، مهران؛ هوشنگی، حسین (۱۳۹۳) «فرایند صدور افعال اختیاری انسان»، دو فصلنامه معارف عقلی، شماره ۱، پیاپی ۲۹، ص ۱۳۶-۱۱۵.
- صلواتی، عبدالله (۱۳۹۸) «استنباط مدل های گوناگون یقین با نظر به امکانات درونی حکمت متعالیه»، آینه معرفت، شماره ۵۸، ص ۳۸-۲۱.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی تا) الرسائل العشر، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۷) الذخیره فی علم الکلام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- علوی، محمد کاظم (۱۳۹۳) «تحلیل معرفت محورانه مراتب ایمان از دیدگاه ملاصدرا»، حکمت و فلسفه، سال دهم، شماره ۲، ص ۲۸-۷.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۱ق) المحصل، مقدمه حسین اثای، عمان: دار الرازی.
- قاضی عبدالجبار، ابن احمد (۱۴۲۲ق) شرح الاصول الخمسه، تحقیق احمد بن حسین ابن هاشم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۶) ایمان و آزادی، تهران: طرح نو.
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۶) «نقد انتساب نظریه این همانی ایمان و تصدیق منطقی به ملاصدرا»، آیین حکمت، سال ۹، ش ۳۴، ص ۱۳۶-۱۰۹.
- مک کواری، جان (۱۳۸۲) الهیات آگزیستانسیالیستی، ترجمه مهدی دشت بزرگی، قم: بوستان کتاب.
- مک ناوتن، دیوید (۱۳۸۶) بصیرت اخلاقی، ترجمه محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ملاصدرا (۱۳۸۱الف) کسر اصنام الجاهلیه، تصحیح و تحقیق محسن جهانگیری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۱ب) المبدأ و المعاد، تصحیح و تحقیق محمد ذبیحی و جعفر شاه نظری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۱ج) الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج ۶، تصحیح و تحقیق احمد احمدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۲) الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج ۹، تصحیح و تحقیق رضا اکبریان، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۴) شرح الاصول الکافی، ج ۱، تصحیح و تحقیق رضا استادی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۶الف) مفاتیح الغیب، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۶ب) ایقاظ النائمین، تصحیح و تحقیق محمد خوانساری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۹الف) اسرار الایات و انوار البینات، تصحیح محمد علی جاودان، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____ (۱۳۸۹ب) تفسیر القرآن الکریم، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- میثمی، سایه (۱۳۸۱) «کرکگور و حقیقت ایمان»، سروش اندیشه، شماره ۲.
- نراقی، احمد (۱۳۷۸) رساله دین شناخت، تهران: طرح نو.
- Locke, John (1999) *An Essay Concerning Human Understanding*. The Pennsylvania State University.
- Schleiermacher, Friedrich (1893) *On Religion: Speeches to its Cultured Despisers*, trans. by. John Oman, London: K.Trubner , Ltd.